

مفاهیم اسلامی سلامت اجتماعی^۱

عباس پسندیده^۲

چکیده

سلامت اجتماعی یکی از ابعاد مهم سلامت انسان است. هدف این پژوهش، بررسی مفاهیم سلامت اجتماعی در منابع اسلامی است. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی کلاسیک در دین پژوهی استفاده شده است. منبع ما، آثار مرتبط چاپ شده و چاپ نشده پژوهشگر علوم و معارف حدیثی است. بیست مفهوم اصلی سلامت اجتماعی در منابع اسلامی وجود دارد که عبارتند از:

منزلت اجتماعی، الفت اجتماعی، حرمت اجتماعی، اخوت اجتماعی، همیاری اجتماعی، دل‌رحمی اجتماعی، مدارای اجتماعی، انصاف اجتماعی، ایثار اجتماعی، قدردانی اجتماعی، بردباری اجتماعی، گذشت اجتماعی، فروتنی اجتماعی، خیرخواهی اجتماعی، اصلاح‌گری اجتماعی، واداری و بازداری اجتماعی، امانتداری اجتماعی، صداقت اجتماعی، وفاداری اجتماعی، سرور اجتماعی. این یافته‌ها می‌توانند در بررسی وضعیت سلامت اجتماعی و برنامه‌ریزی حوزه برای ارتقاء و آسیب‌شناسی وضعیت موجود مورد استفاده قرار گیرند.

واژگان کلیدی: سلامت اجتماعی، مفاهیم اسلامی، سلامت اجتماعی، برنامه‌ریزی اجتماعی اسلام.

۱. این مقاله جزئی از پژوهش مؤلفه‌ها و الگوی سلامت اجتماعی در اسلام است که توسط گروه سلامت اجتماعی فرهنگستان علوم پزشکی کشور حمایت شده است.

۲. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث؛ pasandide48@gmail.com

۱. مقدمه

سازمان بهداشت جهانی در آغاز، سلامت را به معنای نبود بیماری تلقی می کرد؛ اما از سال ۱۹۴۷ یک بُعد ایجابی به این مفهوم افزود و آن را ترکیبی از «نبود» بیماری و «بود» وضعیت مطلوب جسمانی، روانی و حتی اجتماعی دانست. در مطالعات جهانی دو تلقی از سلامت اجتماعی وجود دارد:

تلقی اول: فرد را واحد تعریف سلامت اجتماعی قرار می دهد و سلامت اجتماعی را به مثابه صفت و ویژگی زندگی فردی و اجتماعی انسان تعریف می کند. تعریف سازمان جهانی بهداشت از این جهت به سلامت اجتماعی می نگرند.

تلقی دوم: اما برداشت دیگر، سلامت اجتماعی را به مثابه صفتی برای یک جامعه در نظر می گیرد و به معنای جامعه برخوردار از شرایط مساعد برای سلامت است.^۱

تلقی اول از سلامت اجتماعی که اشاره به مجموعه مناسبات فرد با دیگران دارد، نقطه مقابل انزوای اجتماعی است. گلداسمیت^۲ شاخص های سلامت اجتماعی را یکی از اساسی ترین شاخص های سلامت هر کشوری معرفی می کند و سلامت اجتماعی را «ارزیابی رفتارهای معنی دار مثبت و منفی فرد در ارتباط با دیگران» تعریف می نماید^۳ که به کارا بودن فرد در جامعه منجر می گردد. از نظر لارسون^۴ سلامت اجتماعی ارزیابی فرد از کیفیت روابطش با خانواده، دیگران و گروه های اجتماعی است و در واقع شامل پاسخ های درونی فرد نسبت به محرک ها و احساسات، تفکرات و رفتارهایی است که نشانگر رضایت یا عدم رضایت فرد از زندگی و محیط اجتماعی است.

آنچه این پژوهش به آن می پردازد، تلقی اول از سلامت اجتماعی به عنوان یک امر بین فردی است. موضوع این پژوهش، بررسی مفهوم سلامت اجتماعی به عنوان یک امر

۱. امینی رارانی و همکاران ۱۳۹۰ به نقل از: شریعتی و رحیم پور، ۱۳۹۹: ۱۴۲.

۲. Goldsmith

۳. لارسون، ۱۹۹۳: ۲۸۵ به نقل از: نیک ورز و یزدان پناه، ۱۳۹۴.

۴. Larson

بین فردی در منابع اصیل اسلامی است. بخش زیادی از آموزه‌های اسلامی به تنظیم روابط و مناسبات اجتماعی پرداخته است به طوری که مفاهیم کمی هستند که از این نظر دارای جنبه اجتماعی نداشته باشند.

نتایج بررسی قرآن کریم به منظور شناسایی آیات مرتبط با ابعاد سه‌گانه سلامت نشان داده در ۶۷ سوره (۷۷.۵۸٪)، آیات قرآن کریم مشخصاً به یک، دو و یا هر سه بعد اصلی سلامت (جسمی، روانی و اجتماعی) اشاره نموده است. عمده آیات قرآن کریم به ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی سلامت اشاره عام دارد؛ اما تعداد کل آیات در خصوص سه بعد اصلی سلامت، ۴۷۱ آیه است که سهم سلامت اجتماعی ۱۰۱ آیه (۲۶٪.۳۸)، سهم سلامت روانی ۴۱ آیه (۶۱.۳۵٪) و سهم سلامت جسمی ۶۹ آیه (۱۳٪.۲۶) است.^۱

طبق تحقیقات انجام شده، متون اسلامی (قرآن و حدیث) منابعی غنی برای موضوع سلامت اجتماعی است؛ اما به صورت مشخص و هدفمند به این موضوع پرداخته نشده است؛ البته باید به این نکته توجه داشت که عنوان «سلامت اجتماعی» به صورت مستقل در منابع اسلامی بیان نشده شاید همین امر پژوهش در این موضوع را دشوار می‌کند. از این رو، سؤال این است که اسلام در چه سرفصل‌هایی به این موضوع پرداخته است؟ سلامت اجتماعی از دیدگاه اسلام چه مؤلفه‌هایی دارد؟ یافتن سرفصل‌هایی در این حوزه می‌تواند مؤلفه‌های سلامت اجتماعی از دیدگاه اسلام را مشخص سازد.

۱.۱. روش پژوهش

در این پژوهش از روش اسنادی برای بررسی دیدگاه اسلام و از روش توصیفی-تحلیلی کلاسیک در دین‌پژوهی برای تحلیل یافته‌ها استفاده شده که مبتنی بر تحلیل محتوای

۱. سیدی، یدالله پور، رضایی، برهانی و بختیاری، ۱۳۹۴.



کیفی متون قرآن و منابع حدیثی است.^۱ در تحلیل محتوا، عناصر و مطالب گردآوری، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل شده است.^۲

تحلیل اطلاعات در این قسمت با رویکرد سلامت اجتماعی صورت گرفته و منظور این است که از زاویه سلامت اجتماعی به پرسش‌گری (استنتاج) اطلاعات دینی پرداخته شود. استنتاج، به معنی عرضه سؤال به متون دینی و «پاسخ‌جویی» از آن‌ها است.

منبع این پژوهش، آثار منتشر شده و منتشر نشده پژوهش‌کنده علوم و معارف حدیثی است که در قالب دانشنامه قرآن و حدیث (که اثری جامع است) و نیز آثار تک‌موضوعی چاپ و یا تدوین شده‌اند. در حال حاضر این آثار، غنی‌ترین منبع در پژوهش‌های قرآنی-حدیثی به شمار می‌روند.

۱. پسندیده الف، ۱۳۹۸، همان ب ۱۳۹۸، همان ج ۱۳۹۸، همان ۱۳۹۹.

۲. حافظ‌نیا، ۱۳۷۷.

۱.۲. یافته‌های پژوهش

در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، دست کم دو نوع موضوع وجود دارد: موضوعات درون‌دینی و موضوعات برون‌دینی. مراد از موضوعات درون‌دینی، موضوعاتی است که خاستگاه آن در دین است و از همان فضا انتخاب و بررسی می‌شوند؛ مانند: بررسی علمی تواضع، تکبر، حسادت، حسرت و...

مراد از برون‌دینی، آن دسته از موضوعاتی است که از علوم انسانی یا علوم اجتماعی اخذ و از منظر دین بررسی می‌شوند. در این پژوهش، سلامت اجتماعی از موضوعات علوم انسانی است که باید از منظر دین مورد بررسی قرار بگیرد. پس از مشخص شدن تعریف و محدوده پژوهش، عناوین و کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع پژوهش، شناسایی شد که حدود ۵۴ عنوان را شامل می‌شود:

جدول شماره یک: عناوین و کلیدواژه‌ها		
۱. کرم/کرامت	۲. انصاف	۳. صداقت
۴. عزت	۵. ایثار	۶. اخلاص
۷. حرمت/حریم	۸. شکر	۹. ریا
۱۰. تغافل	۱۱. عفو	۱۲. سمعه
۱۳. حمل برصحت	۱۴. تواضع	۱۵. عرض / آبرو
۱۶. عذرتراشی	۱۷. نصیحت	۱۸. مال
۱۹. انکارپذیری	۲۰. حسن البشر...	۲۱. دم/خون
۲۲. حفظ / حمایت	۲۳. مزاح	۲۴. دین وایمان
۲۵. احسان	۲۶. ضحک	۲۷. وفاء
۲۸. الفت	۲۹. فرح	۳۰. حقد
۳۱. محبت	۳۲. سرور	۳۳. انتقام
۳۴. انس	۳۵. نشاط	۳۶. رحمت/رحم
۳۷. صدیق	۳۸. حسن کلام	۳۹. رفق ومدارا
۴۰. اخوت	۴۱. سخاوت	۴۲. حلم
۴۳. تعاون	۴۴. مواسات	۴۵. کظم غیظ
۴۶. صدقه	۴۷. جود	۴۸. امریه معروف
۴۹. قرض	۵۰. انفاق	۵۱. نهی از منکر
۵۲. بخل	۵۳. تولی	۵۴. تبی

۲. مفاهیم اصلی سلامت اجتماعی

منابع اسلامی^۱ بر پایه عناوین و کلیدواژه‌های استخراج شده مورد مطالعه قرار گرفت و متون مرتبط اخذ شد که در اصطلاح به آن خانواده متون گفته می‌شود.^۲ داده‌های گردآوری شده از عناوین و کلیدواژه‌ها، مورد تحلیل سطح یک قرار گرفت. منطق تحلیل در این قسمت، یافتن نقش عناوین اسلامی و داده‌های آن‌ها در سلامت اجتماعی و یافتن مناسبات اولیه میان آن‌ها بود. در این تحلیل، ۲۰ مؤلفه در سلامت اجتماعی به دست آمد که به تبیین و بررسی نقش این مؤلفه‌ها در سلامت اجتماعی می‌پردازیم:

۲.۱. منزلت اجتماعی

یکی از مؤلفه‌های سلامت اجتماعی، حرمت و ارزشمندی اجتماعی است. حرمت و شخصیت افراد، برای آن‌ها اهمیت و ارزش بسیاری دارد؛ از جمله اموری که این مؤلفه را به چالش می‌کشد، ارتباط و تعامل با دیگران است. سؤال این است که آیا در یک رابطه، حرمت و ارزش فرد حفظ می‌شود یا نه؟

از مجموع منابع می‌توان به دست آورد که راهبردهای تأمین منزلت اجتماعی معطوف به دو گروه است: دیگران و فرد. راهبرد معطوف به دیگران به این معنا است که منزلت اجتماعی یک فرد، وابسته به چگونگی عملکرد دیگران نسبت به او می‌باشد. در این باره، یکی از عوامل «تکریم» کردن و ارج نهادن به طرف مقابل در تعامل اجتماعی و ارتباط بین فردی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: کسی که برادر خود را گرامی بدارد، در حقیقت خدا را گرامی داشته است^۳ و هر که به خدا و روز واپسین ایمان دارد، باید همنشین خود را گرامی بدارد.^۴ مصادیق تکریم و بزرگداشت فراوان است و به تناسب

۱. منابع منتشر شده (ری شهری و همکاران، ۱۳۹۱) و منتشر نشده پژوهشکده علوم و معارف حدیثی دارالحدیث.
 ۲. وقتی مجموعه‌ای از آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار علیهم السلام به اعتبار گوناگون، حول محور مشترکی جمع شوند، خانواده متون شکل می‌گیرد. خانواده متون یعنی مجموعه متون مشابه و مرتبط در یک موضوع. وجه اشتراک اصلی این متون، نظر داشتن آن‌ها به یک موضوع محوری است. (پسندیده، ۱۳۹۹)

۳. متقی هندی ۱۴۰۹ق، ۲۵۴۸۸

۴. همان، ۲۵۴۹۰

موقعیت، فرد، زمان، مکان و حتی فرهنگ و دیگر متغیرها، نمودهای مختلفی دارد. دومین عامل، دفاع و حمایت از کسانی است که مورد تهدید آبرویی قرار گرفته‌اند. دوست واقعی کسی است که در نبودش، از همهٔ امور متعلق به برادر خود حراست و مراقبت کند.^۱ این راهبرد در موضوع غیبت، در دو شکل بروز می‌کند: «پرهیز از شنیدن غیبت» و «دفاع و حمایت» از غیبت شونده.

اما راهبرد معطوف به فرد این است که علاوه بر دیگران، خود فرد نیز در منزلت اجتماعی خود مؤثر است. عزت و منزلت اجتماعی فقط در دستان دیگران نیست؛ بلکه چگونگی عملکرد فرد نیز در آن مؤثر است. یک نمونه از این عملکردها، خیررسانی به مردم و بی‌نیازی از آن‌ها است. مردم، مشتاق جلب خیر دیگران هستند و هر کس به آنان خیری برساند، مورد عزت و احترام آن است؛ این بالاترین درجه منزلت اجتماعی است. پس از آن، افرادی هستند که چشم طمع به داشته‌های دیگران ندارند. امنیت «داشته‌ها» برای مردم مهم است. افرادی که به داشته‌های دیگران چشم طمع دارند، قابل احترام نیستند.^۲

نمونهٔ دیگر از این عملکردها، شایستگی‌های اخلاقی و رفتاری است. افرادی که از فضائل انسانی و اخلاقی برخوردارند، همیشه مورد احترام هستند؛ به همین جهت برخورداری از فضائل اخلاقی، موجب تقویت جایگاه اجتماعی فرد می‌شود.

۲.۲. الفت اجتماعی

یکی دیگر از مؤلفه‌های سلامت اجتماعی، محبت اجتماعی است. مراد از محبت اجتماعی، وجود رابطهٔ عاطفی و دوستانه بین مردم است؛ به گونه‌ای که یکدیگر را دوست داشته باشند و به یکدیگر عشق بورزند. میزان محبت بین مردم، می‌تواند شاخصی برای تشخیص سلامت اجتماعی باشد. ارتباط دوستانه با دیگران یکی از

۱. شریف رضی ۱۴۱۴ق، حکمت ۱۳۴

۲. طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۱۹۱؛ ورام ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۹۳.

اصول اساسی و بخشی از رفتار خردمندان است.^۱ علاوه بر توصیه به برقراری ارتباط دوستانه، بر کثرت و فراوانی آن نیز تأکید شده است.^۲

۲,۳. حریم اجتماعی

حرمت یا حریم اجتماعی، با قلمروی افراد مرتبط است. حرمت در ادبیات دینی یعنی حریم نگهداشتن و حرام بودن ورود غیر معمول به حریم افراد. وقتی حریم و قلمروی فرد یا جامعه در خطر نفوذ یا تهدید قرار بگیرد، حرمت وی به مخاطره افتاده و به چالش کشیده می‌شود. سؤال این است که چه چیزی تهدید می‌شود و به مخاطره می‌افتد؟ برخی حریم و قلمروی افراد را منحصر در زمین و خانه آنان می‌دانند؛ اما واقعیت این است که منحصر در این‌ها نیست. تمام داشته‌های فرد جزو حریم و قلمروی او به شمار می‌رود. بدن، ملک، وسیله نقلیه، اعتبار اجتماعی، فرهنگ و باورها جزو داشته‌های افراد است.^۳

۲,۴. اخوت اجتماعی

یکی از مفاهیم مهم در سلامت اجتماعی، مفهوم «اخوت» و برادری است. وضع قانون برادری، یکی از برجسته‌ترین اقدامات پیامبر اکرم ﷺ است. قرآن کریم با جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۴ قانونی را تشریح کرد که بر اساس آن، نسبت و پیوندی میان یکایک مسلمانان، ایجاد شد که پیش از آن وجود نداشت. این پیوند «برادری دینی» نامیده می‌شود.

اسلام، با تشریح قانون برادری دینی، از یک سو با تعصب‌های ناروای نژادی، قبیله‌ای و حزبی به مبارزه برخاست و از سوی دیگر، قوی‌ترین و کارآمدترین پیوندهای اجتماعی را در امت اسلامی به وجود آورد. اسلام نه تنها همه مسلمانان را برادر یکدیگر می‌داند؛

۱. بیهقی بی‌تا، ج ۱۰/ ۱۸۷/ ۲۰۳۰۶؛ کلینی ۱۴۰۷ق، ۲/ ۶۴۳/ ۴؛ صدوق ۱۴۱۳ق، ج ۴، صص ۴۱۶ تا ۵۹۰۴.

۲. ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۳۸.

۳. کلینی ۱۴۰۷ق، ۷/ ۲۷۳/ ۱۲، ر.ک: ابن حنبل، بی‌تا، ۷/ ۳۷۶/ ۲۰۷۲۰.

۴. حجرات: ۱۰. یعنی در حقیقت مؤمنان برادران یکدیگرند.

بلکه تأکید می‌کند که آنان، برادر یکدیگر و از یک پدر و مادر هستند.

۲٫۵. همیاری اجتماعی

تعاون و همیاری اجتماعی یکی از مفاهیم دیگر سلامت اجتماعی است. آیه شریفه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»^۱ پایه و اساس سنت اسلامی است.^۲

تعاون به معنای کمک‌رسانی به یکدیگر و همیاری گروهی است. در تعاون، نیروهای پراکنده جامعه دست‌به‌دست هم می‌دهند و از طریق هم‌افزایی، قدرت مجموعی را افزایش می‌دهند و با متمرکز کردن آن روی یک نقطه و همسو کردن همه نیروها، توان ایجاد آثار مثبت دلخواه را به گونه‌ای چشمگیر بالا می‌برند. در روایات به طور عمومی و کلی، یاری رساندن به برادر مسلمان را توصیه کرده و آثار ارزشمندی برای آن بیان کرده است. هر کس برادر مسلمانش را یاری کند و می‌تواند چنین کند، خداوند او را در دنیا و آخرت یاری می‌رساند.^۳ تا وقتی که مؤمن در حال کمک کردن به برادرش می‌باشد، خدا یاور او است.^۴

مفهوم دیگری که در این موضوع قابل بحث می‌باشد «مواسات» است. همدردی با دیگران و شریک ساختن آنان در بهره‌گیری از مواهب زندگی، از آن جهت که نوعی درمان و اصلاح اجتماعی است، «مواسات» نامیده می‌شود. نکته قابل توجه در «مواسات مالی» این است که شرط تحقق آن، نیازمند بودن شخص به چیزی است که در اختیار دیگران می‌گذارد. به بیان روشن‌تر، کمک کردن به دیگران، سه درجه دارد که هریک، عنوانی خاص و ارزشی متفاوت با دیگری دارد:

درجه اول: کمک کردن به نیازمندان از آن چیزی که اضافه بر نیاز خود است. این

۱. مانده: ۲

۲. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۶۳.

۳. ابونعیم ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۵.

۴. کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۵

نوع از کمک کردن انواع مختلفی دارد که عبارت است از: «انفاق»، «اهداء»، «صدقه» و «سخا» و...

درجه دوم: شریک کردن نیازمندان با خود و سهم کردن آن‌ها در آن چیزی که به آن نیاز دارد و مورد علاقه او است. این نوع کمک‌رسانی، «مواسات» نامیده می‌شود. درجه سوم: بخشیدن همه آن چیزی که خود به آن نیاز دارد. این نوع از کمک‌رسانی، از بالاترین ارزش‌های اخلاقی شمرده می‌شود که «ایثار» نام دارد. آنچه به این بحث مربوط می‌شود، مرتبه دوم است که همان مواسات می‌باشد.

۲،۶. دل‌رحمی اجتماعی

از مفاهیم مهم سلامت اجتماعی، هم‌دردی اجتماعی است که در ادبیات دین از آن با عنوان «رحمت» یاد می‌شود. رحمت به معنای برانگیختگی عواطف نسبت به نیازمندی است که در موضع ضعف و کاستی قرار دارند.^۱

افراد دل‌رحم نسبت به ناتوانی و کاستی‌های هم‌نوع خود واکنش مثبت نشان می‌دهند. کسی که از ویژگی رحمت برخوردار باشد با مشاهده وضع رقت‌بار هم‌نوع خود، قلبش به درد آمده و نسبت به رفع نیاز او اقدام می‌کند. انسان‌های رحیم، در مرتبه اول می‌توانند نیاز دیگران را درک کنند و در مرتبه بعدی می‌توانند با او هم‌دردی کرده و به آنان مرحمت کنند. قرآن کریم یکی از ویژگی‌های بارز پیروان حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را رأفت و رحمت بیان می‌کند^۲ و افرادی که سفارش به صبر و رحمت می‌کنند را می‌ستاید.^۳

۲،۷. مدارای اجتماعی

مدارا به معنی انعطاف و نرمش در موقعیت‌هایی است که فرد با مخالفت و یا تفاوت نظر و عملکرد دیگران مواجه می‌شود. ما با افراد متعددی در ارتباط هستیم که از نظر

۱. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۶۶.

۲. حدید: ۲۷

۳. بلد: ۱۷ و ۱۸

خُلق و خوی یکسان نیستند. در میان آن‌ها، افرادی زودرنج، کم‌تحمل و بعضی دیگر عصبی و پرخاشگر هستند. بعضی از این افراد ممکن است به روابط ما با دیگران اختلال وارد می‌کنند. اگر ما با چنین افرادی مدارا نکنیم و نتوانیم اشتباهات آنان را تحمل کنیم، تنها خواهیم شد. باید بتوانیم حتی با چنین افرادی به نرمی و نیکی سخن بگوییم؛ که اگر چنین نباشیم، حتی اگر پیغمبر خدا باشیم، اطرافیانمان از دور ما پراکنده خواهند شد. اگر درشت‌خوی و درشت‌گو و بدخوی و سنگدل باشیم، نه تنها کسی با ما ارتباط نمی‌گیرد؛ بلکه همه را از خود فراری می‌کنیم.

قرآن کریم با اشاره به نرمی و مدارای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایشان را برخاسته از رحمت بی‌کران الهی دانسته است؛ رحمتی که اگر به کسی روی بیاورد، اخلاقش را نیکو و دلش را نرم می‌کند و همهٔ افراد از عرب جاهلی خشن تا عالم یهودی، مسیحی، ایرانی، رومی و... را به سان پروانه‌های گرداگرد شمع، گرد او جمع می‌کند.^۱

نرمی و همراهی، دوست‌گریزان و حتی بسیاری از دشمنان را به سوی ما جذب می‌کند و با ما آشتی می‌دهد؛ دشواری‌های ارتباط را از میان برمی‌دارد و انسان را در نظر دیگران گرامی می‌دارد. اگر از این ویژگی به جا و درست استفاده شود، سلاح پرخاشگری و تندی دیگران را از آن‌ها می‌گیرد و نهال دوستی و صفا می‌نشانند و مانع گسستن پیوند اجتماعی می‌شود.^۲

۲٫۸. انصاف اجتماعی

در منابع اسلامی «انصاف» از آسان‌ترین حقوق مسلمانان بر دیگران شمرده شده است.^۳ محور اساسی معنای انصاف، همانندی دو چیز با یکدیگر است؛ مانند دو نیمهٔ سیب. شخص با انصاف کسی است که خود را همانند دیگران دانسته و برای خود تفاوتی با دیگران قائل نباشد؛ به همین جهت است که در انصاف از چیزی به نام «خود میزانی»

۱. آل عمران: ۱۵۹

۲. مسعودی، ۱۳۹۳، صص ۷۶ تا ۷۹.

۳. کلینی ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۴۳۳.



یاد شده به این معنا است که در تعامل با دیگران «خودت را میزان قرار دهید»^۱. انصاف، یکی از حقوق دیگران و از مهم‌ترین نیازهای اجتماعی است که موجب از بین رفتن اختلاف‌ها و الفت میان قلب‌ها^۲ و تداوم ارتباط و محبت می‌گردد^۳ و برگستره دوستان^۴ و دامنه عزت انسان می‌افزاید^۵ و سبب اعتبار و اطمینان اجتماعی خواهد شد^۶؛ به گونه‌ای که شخص با انصاف شایسته این است که حکم و داور اجتماعی باشد.^۷

۲،۹. ایثار اجتماعی

ایثار یکی از مفاهیم مهم و اساسی در سلامت اجتماعی است. ایثار از برجسته‌ترین فضائل و ارزش‌های انسانی است که در سخنان نورانی پیشوایان اسلام علیهم‌السلام، از آن با عناوینی مانند: بالاترین مکارم اخلاقی، بالاترین مراتب احسان، بالاترین درجات ایمان و بهترین عبادت ارزش‌گذاری شده است.^۸

ما هنگام برخورداری از نعمت‌های خدادادی و بهره‌برداری از دسترنج خویش آزاد هستیم که آن را به دلخواه خود مصرف کنیم و هرگونه صلاح می‌دانیم در اختیار دیگران بگذاریم. اسلام نیز این حق را به رسمیت شناخته و به ما اجازه داده تا در دارایی‌های خود تصرف کرده و از آن استفاده دلخواه کنیم؛ اما برای آن، حدّ و مرزهایی مشخص کرده است؛ مانند اسراف نکردن، هدر ندادن، در راه نادرست و نامشروع به کار نبردن، پرداخت بخشی از آن به نیازمندان و پیشوایان برای مصارف عمومی جامعه و اموری

۱. شریف رضی ۱۴۱۴ق، الکتاب ۳۱.

۲. آمدی ۱۴۱۰ق، ج ۲، ۱۷۰۲.

۳. همان: ج ۴۱۹۰ و ۱۰۷۶.

۴. شریف رضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۲۲۴.

۵. کلینی ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۴.

۶. ابن شعبه ۱۳۶۳، ص ۱۵۳.

۷. کلینی ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۶.

۸. ری شهری و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۲۹.

مانند آن. اسلام به انسان اجازه داده است که از دارایی خویش، برای ایجاد روابط اجتماعی، تقویت و استواری یا ترمیم و بهبود آن استفاده کند. انسان مسلمان می‌تواند کسانی را به مهمانی دعوت کند تا با آن‌ها طرح دوستی و همکاری بریزد؛ شرکتی برپا کند تا با دوستانش همکار و همراه شود و هدیه‌ای تهیه کند و برای دوست دیرین در حال فراموشی‌اش بفرستد تا محبت کم‌رنگ شده، جانی دوباره بگیرد.

اسلام همه این‌ها را نیکو شمرده و به برخی از آن‌ها تشویق و ترغیب کرده است؛ اما از این میان یکی را برقله مکارم و بزرگواری‌های انسانی نشانده و تاج پرافتخار اخلاق را نصیب آن ساخته است که عبارت است از «ایثار». ایثار، احسانی عمیق و گسترده است که از مواسات و همدردی نیز بزرگ‌تر است. ما در احسان، بخشی از مالی که به آن نیاز چندانی نداریم را می‌بخشیم؛ اما در مواسات، دیگری را شریک مال خود می‌کنیم و در ایثار، از آنچه برایمان باقی مانده است به دیگری می‌بخشیم.^۱

۲.۱۰. قدردانی اجتماعی

تشکر و قدردانی از دیگر مفاهیم سلامت اجتماعی در ادبیات دین است. سپاسگزاری به نوعی یک پاداش دادن^۲ و از طرفی بازگوکننده نیت و زبان درون است.^۳ کسی که از مردم تشکر نکند از خداهم تشکر نکرده است.^۴

تشکر و قدردانی مربوط به موقعیت نعمت است. در تعامل‌های اجتماعی بسیاری از اوقات انسان مورد لطف دیگران قرار گرفته و خدمت یا کالایی را دریافت می‌کند. لطف و احسان کردن در اشکال مختلف، یکی از مؤلفه‌های سلامت اجتماعی است. واکنش به لطف و احسان دیگران مهم است. در مقابل لطف و احسان دیگران می‌توان واکنش‌های مختلفی نشان داد: یکی از آن‌ها «مقابله برابر» است؛ یعنی خوبی را با

۱. مسعودی، ۱۳۹۱، ص ۶۵.

۲. آمدی ۱۴۱۰ق، ح ۱۶۸۶.

۳. همان، ۱۳۰۰.

۴. صدوق، ۱۳۷۸، ۲/۲۴/۲.

همانند آن خوبی، پاسخ بدهیم؛ این همان چیزی است که در قرآن کریم از آن با تعبیر «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»^۱ یاد شده است. هر چند این کار مطلوب و ارزشمند است، با این حال، آن چیزی نیست که تأکید نهایی دین بر آن باشد. تأکید دین بر «مقابله برتر» است؛ یعنی خوبی مردم را با خوبی بهتر از آن پاسخ دادن. این همان چیزی است که در ادبیات دین، از آن به عنوان «تشکر» یاد می‌شود.

تشکر کردن، با رفتار همانند انجام نمی‌شود. امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که امام علی علیه السلام همواره این جمله را می‌فرمودند: «هر که در برابر خوبی‌یی که به او شده همانند آن خوبی کند آن خوبی را پاداش داده است و هر کس بیشتر از آن خوبی کند سپاس‌گزاری کرده است»^۲.

بنابراین کسی که به او نیکی شده وظیفه دارد نیکی کننده را به خوبی پاداش دهد. اگر توان این کار را نداشت باید به خوبی تشکر کند و اگر زبانش از این کار هم قاصر بود وظیفه دارد که ارزش آن نیکی را بشناسد و خوبی کننده را دوست داشته باشد و چنانچه از این کار هم کوتاهی کرد لایق نیکی نیست.^۳

۲،۱۱. بردباری اجتماعی

مفهوم مهم دیگری که تضمین کننده سلامت اجتماعی می‌باشد «حلم» است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: من کانون بردباری برانگیخته شدم؛ و آدم بردبار به پیامبری نزدیک است.^۴ حلم کاربرد اجتماعی خاصی دارد. از بامداد تا شامگاه با ده‌ها نفر روبه‌رو می‌شویم و با گونه‌های متفاوتی از برخوردها، اخلاق‌ها و نگاه‌ها تعامل داریم. این آدم‌های متفاوت و گوناگون، از ما انتظارات مختلفی دارند و ما گاهی از آن‌ها توقعات متعددی داریم. گاهی برخی انتظار احترام دارند و ما بی‌توجه می‌گذریم و گاهی ما توقع

۱. الرحمن: ۶۰
 ۲. کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۸؛ معانی الأخبار، ص ۱۴۱، ح ۱.
 ۳. طوسی، ۱۴۱۴ق، ۵۰۱/۱۰۹۷.
 ۴. مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۷۱/۴۲۳/۶۱.
 ۵. همان، ج ۴۳/۷۰/۶۱.

تکریم داریم و بی حرمتی می بینیم. گاهی پرسش نرم و آرامان بی پاسخ می ماند و گاهی سخن حق مدارانه ما با تندی سخنی بی منطق خُرد و له می شود. بعضی اوقات از تعرض کلامی دیگران بی بهره نمی مانیم و به اصطلاح از کوره درمی رویم و مسلسل وار الفاظی بر زبان می آوریم که در حالت عادی، نه می گوئیم و نه خود قبول داریم.^۱ این الگوی رابطه را نمی توان سالم دانست. در چنین وضعیتی، روابط اجتماعی آسیب می بیند. باید دید بهترین واکنش به این موقعیت برای حفظ سلامت اجتماعی چیست؟

بهترین و سالم ترین واکنش از دیدگاه منابع دینی برخورد خردمندانه و بردبارانه است که در ادبیات دین «حلم» نامیده می شود. حلم در لغت به معنای عجله نکردن، با متانت برخورد کردن و با شتاب تلافی نکردن هنگام بروز خشم است. فرد بردبار، عاقلانه و باثبات و بدون تأثیرپذیری از هیجانات، عمل می کند و واکنش چنین شخصی از روی سبکی نخواهد بود.^۲ آیه شریفه ۶۳ سوره فرقان بندگان خدای رحمان را کسانی می داند که در زمین متواضعانه گام می نهند و فروتنانه راه می روند و هنگام خطاب و مواجهه جاهلانه، به سلامت پاسخ می دهند^۳؛ این چیزی جز بردباری و حلم نیست.

۲/۱۲. گذشت اجتماعی

از دیگر مؤلفه های سلامت اجتماعی «گذشت» است. از موقعیت هایی که سلامت اجتماعی را به مخاطره می اندازد، اشتباهات احتمالی افراد در تعامل با یکدیگر است. اشتباه مورد قبول نیست؛ اما یک واقعیت است. سلامت اجتماعی در چنین مواقعی وابسته به مهارت ما در برخورد با این واقعیت است.

آیات و روایات چند الگوی واکنش را مطرح می کنند. یک الگو «واکنش برابر» است که بر اساس آن فرد می تواند حق خود را بستاند و خواستار جبران شود. از آنجا که بدی

۱. مسعودی، ۱۳۹۳، ص ۹۲.

۲. عبدی و پسندیده، ص ۱۰۲.

۳. «عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا».

کردن و آزار رساندن مصداق ظلم است، فرد آزار دیده می‌تواند با واکنش حق مدارانه، از باب احقاق حق، انتقام بگیرد که این را «مقابله برابر» می‌نامیم. الگوی نخست (مقابله برابر) می‌تواند شرعاً و عقلاً درست ارزیابی شود. خداوند متعال با تأکید بر اصل «همانندی» میان پاسخ منفی و رفتار منفی، در مواردی اجازه «مقابله به مثل» را داده است.^۱ این الگو، هر چند مشروع است و آسیب کمتری به روابط اجتماعی وارد می‌سازد، با این حال تأثیر منفی خود را بر روابط خواهد گذاشت و آن را از حالت شیرین «صفا و صمیمیت» به فضای خشک «بده‌بستان» تبدیل خواهد ساخت. در روایات اسلامی از «شتاب در انتقام» به شدت نهی شده و افراد کم‌گذشت نکوهش شده‌اند. امام علی علیه السلام کم‌گذشتی را زشت‌ترین عیب‌ها و شتاب در انتقام را بزرگ‌ترین گناهان می‌داند.^۲

الگوی دیگر «واکنش برتر» است. بر اساس این الگو، فرد نه تنها حق خود را طلب نمی‌کند؛ بلکه از آن می‌گذرد و دل خود را صاف می‌نماید. این یک واکنش کریمانه به بدی دیگران است که از باب فضل و برتری از اشتباه طرف مقابل می‌گذرد. امام علی علیه السلام در برخورد با بدی و اشتباه دیگران، این الگو را توصیه می‌فرماید.^۳ این الگو که در ادبیات دین از آن به عنوان «عفو» یا گذشت یاد می‌شود، بهترین نوع واکنش است. گذشت دل‌ها را جلا می‌دهد و کینه‌ها و کدورت‌ها را (که بلای خانمان سوزند) می‌زداید و صفا و صمیمیت را به زندگی برمی‌گرداند.^۴

۲.۱۳. فروتنی اجتماعی

یکی از اموری که موجب سلامت اجتماعی می‌شود، بهتر دانستن دیگران از خود است. انسان به ارزیابی خود در مقایسه با دیگران می‌پردازد. این گونه ارزیابی دو الگودارد: الگوی خودفرا تریبینی و الگوی خودفروتربینی.

۱. بقره: ۱۹۴ و شورا: ۴۰

۲. آمدی ۱۴۱۰ق، ح ۶۷۶۶.

۳. ابن شعبه ۱۳۶۳ق، ص ۱۵۱.

۴. فصلت: ۳۴

الگوی خودفراتربینی موجب تکبر می‌شود. متکبر هرگز نباید توقع تعریف و تمجید دیگران را داشته باشد؛^۱ بلکه دشنام را برای خود می‌خرد.^۲ تکبر خلاف انتظار فرد موجب کاهش ارزش اجتماعی انسان می‌شود.^۳ این رفتار نه تنها رابطه خوبی را به وجود نمی‌آورد که انسان از آن لذت ببرد؛ بلکه موجب احساس ناکامی اجتماعی شده و فرد را دچار رنج و عذاب می‌کند؛ به همین جهت در منابع اسلامی، از تکبر نهی شده است.^۴

الگوی خودفروتربینی موجب تواضع می‌شود. تواضع سبب می‌شود که از سویی افراد بر یکدیگر فخر نروشند و ستم نکنند^۵ و از سوی دیگر محبت را افزایش دهند؛^۶ از این رو نسبت به تواضع و فروتنی سفارش دوچندان شده است.^۷

۲.۱۴. خیرخواهی اجتماعی

خیرخواهی یکی دیگر از امور مهم در سلامت اجتماعی است. هر کسی در هر وضعیتی قرار دارد ممکن است در معرض اشتباه و مسیر غلط (گمراهی) قرار بگیرد و یا ممکن است حیران و سرگردان باشد و نداند چه باید انجام دهد. افراد سالم نمی‌توانند نسبت به مسایل دیگران و سرنوشت آن‌ها بی‌تفاوت باشند. آنان با راهنمایی کردن دیگران، سعی دارند همه را در مسیر درست نگهدارند. در حقیقت خیرخواهی یک سیستم هدایت‌گری اجتماعی است که موجب راه یافتن دیگران و نیز اصلاح مسیر آنان می‌شود. این سیستم درونی اجتماعی کمک زیادی به موفقیت و کامیابی همگانی می‌کند. در این وضعیت، کسی فقط به فکر رستن و رسیدن خود نیست؛ بلکه در پی

۱. صدوق، ۱۳۶۲، ص ۴۳۴، ح ۲۰.

۲. آمدی ۱۴۱۰ق، ح ۴۶۱۴.

۳. صدوق ۱۳۷۶ق، ص ۵۷۷، ح ۷۸۸.

۴. رک: ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۷.

۵. ورام ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۲۰.

۶. آمدی ۱۴۱۰ق، ح ۴۶۱۳.

۷. رک: ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۷.

آن است که همه با هم برهند و برسند. از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیاناتی نقل شده است که خیرخواهی را همان دین و مایه تمایز مسلمان از غیرمسلمان شمرده و بزرگ‌ترین منزلت را در روز قیامت از آن کسی دانسته است که بیش از دیگران برای خیرخواهی خلق خدا گام برمی‌دارد.^۱

۲.۱۵. اصلاح‌گری اجتماعی

یکی از موضوعات مهم در سلامت اجتماعی «اصلاح‌گری» است. گاهی روابط بین افراد دچار تنش و تضاد می‌گردد و موجب کدورت، قهر، عداوت، قطع رابطه و سوء رفتار می‌شود. این اختلال نیازمند اصلاح و این رابطه نیازمند ترمیم است. از عواملی که می‌تواند این معضل را برطرف کند رفتار مصلحانه دیگران و اصلاح روابط آسب دیده است. اطرافیان نباید بی تفاوت باشند و باید بدانند که مسئولیت دارند این وضعیت را سامان دهند. قرآن کریم در اهمیت اصلاح‌گری می‌فرماید: هرکس وساطت پسندیده‌ای کند، او را از آن نصیبی خواهد بود و هرکس وساطت ناپسندیده‌ای کند او را از آن نیز سهمی است.^۲ از خدا بترسید و میان خود اصلاح کنید.^۳ در حقیقت مؤمنان باهم برادرند، پس میان برادران خود آشتی دهید و از خدا بترسید، شاید مورد رحمت قرار بگیرید.^۴

هرگاه مردم با هم دچار خصومت شوند اصلاح میان آن‌ها و نزدیک کردن آن‌ها به یکدیگر، زمانی که از هم دور شده‌اند صدقه‌ای است که خداوند آن را دوست دارد.^۵ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به مفضل می‌فرماید: هرگاه میان دو نفر از شیعیان ما نزاعی بر سر امور مالی پیش آمد، آن مبلغ را از مال من بپرداز و رابطه آنان را اصلاح کن.^۶

۱. مسعودی ۱۳۹۳، ص ۱۱۲.

۲. نساء: ۸۵

۳. انفال: ۱

۴. حجرات: ۱۰

۵. کلینی ۱۴۰۷ق، ۲/۲۰۹/۱.

۶. همان، ۲/۲۰۹/۳.

جالب آنکه دروغ گفتن برای اصلاح بین مردم جایز است؛^۱ البته اصلاح‌گری در محدوده حکم خدا است. اگر اصلاح‌گری موجب حلال شدن حرام الهی و یا حرام شدن حلال الهی شود جایز نیست.^۲

۲.۱۶. واداری و بازداری اجتماعی

گاهی ممکن است برخی راه درست را پیدا نکنند و یا در پیمودن راه درست و یا انجام یک کار شایسته اهمال داشته باشند. همچنین رفتار ناشایست و کردار نابهنجار، سرنوشت شومی را برای فرد و جامعه رقم می‌زند. ارتکاب چنین رفتارهایی فرد و جامعه را به سقوط می‌کشاند. در این فضا، آنچه موجب نجات و تعالی فرد و جامعه می‌شود نیرویی بازدارنده است که فرد و جامعه را از زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها دور سازد و قدرتی وادارنده نیاز است تا فرد و جامعه را به انجام عوامل و اصول پیشرفت و تعالی برانگیزاند. این همان مسئولیت اجتماعی دیگران در قبال فرد و جامعه است.

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون او اتفاق می‌افتد. این مطلب تحت عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» مطرح شده و از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار می‌رود؛ چنان که از مهم‌ترین فرایضی است که وجوب کفایی آن از ضروریات دین شناخته شده و ضامن بقای اسلام است. قرآن کریم در بیان صفات ممتاز مؤمنان می‌فرماید: مردان و زنان با ایمان ولی (ویار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را به پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند.^۳

۱. کلینی ۱۴۰۷ق، ۲/۲۱۰/۵؛ همان ۲/۳۴۱/۱۶.

۲. صدوق ۱۴۱۳ق، ۳/۳۲/۳۲۶۷.

۳. توبه: ۷۱.

۲،۱۷. امانت‌داری

یکی از مؤلفه‌های مهم سلامت اجتماعی «امانت‌داری» است. در گذر زندگی مواردی پیش می‌آید که باید چیزی را برای مدت معلومی نزد کسی قرار داد. چنین اقدامی نیازمند احساس امنیت است. اینجا است که مسئله امانت و امانت‌داری پیش می‌آید. دین اسلام امانت‌داری را یک ضرورت اجتماعی می‌داند. بدون امانت‌داری پایه‌های اجتماع فرومی‌پاشد و جامعه از هم گسسته می‌شود. امانت‌داری موجب انسجام اجتماعی است و زندگی اجتماعی را ممکن می‌سازد.

محمد بن علی حلبی می‌گوید: مردی از طرفداران مروانیان هزار دینار به من امانت سپرد و ناپدید شد. من مانده بودم که با آن‌ها چه کنم. خدمت امام صادق علیه السلام رفتم و داستان را برای ایشان تعریف کردم و گفتم: شما به پول‌ها سزاوارتر هستید. فرمودند: نه! پدرم می‌فرمود: ما با آن‌ها همانند زمان صلح و آتش بس هستیم. امانت‌هایشان را پس می‌دهیم، گم شده‌شان را برمی‌گردانیم؛ له و علیه آن‌ها شهادت می‌دهیم؛ زیرا اگر چند دستگی پیش آید هیچ کس نمی‌تواند دوام بیاورد.^۱

در منابع دینی هیچ حدّ و مرزی برای امانت‌داری به چشم نمی‌خورد. امام علی علیه السلام تأکید می‌کنند که امانت را به صاحب آن برگردانید اگرچه قاتل انبیاء علیهم السلام^۲ و قاتل فرزندان انبیاء باشند.^۳ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند حتی اگر قاتل علی بن ابی طالب علیه السلام امانتی را به من بسپارد آن را به او باز می‌گردانم.^۴

۲،۱۸. صداقت اجتماعی

صدق در اصل به معنی استواری و استحکام است و در جایی به کار می‌رود که امور دارای استواری و استحکام باشد.^۵ صداقت اجتماعی یعنی انسان مؤمن با افراد جامعه

۱. طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۶ ص ۳۵۰ ح ۹۸۹.

۲. ابن شعبه ۱۳۶۳، ص ۱۰۴.

۳. کلینی ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۱۳۳، ح ۳.

۴. همان؛ طوسی ۱۴۰۷ق: ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۹۹۵.

۵. فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ص ۵۶؛ ابن درید ۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۵۶۵؛ صاحب ۱۴۱۴ق: ج ۵، ص ۲۵۷.

در حضور و غیاب آن‌ها یک رنگ باشد؛ نه اینکه در ظاهر خوش رفتار و در پشت مردم به غیبت و تهمت و... مشغول باشد. بر همین اساس در ادبیات دین، دوستی آمیخته با صداقت را «صدیق» می‌نامند؛ یعنی دین طرفدار روابط مبتنی بر صداقت است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دوستی صادقانه حدودی دارد و به کسی که دارای آن حدود نباشد دوستی کامل نسبت ندهید؛ نخست آنکه ظاهر و باطنش با تو یکی باشد. دوم آنکه نیکی تو را نیکی خود و بدی تو را بدی خویش انگارد. سوم اینکه مال و فرزند او را تغییر ندهد. چهارم آنکه هر چه دستش می‌رسد از تو باز ندارد. پنجم آنکه در گرفتاری‌ها تو را وانگذارد.

۲،۱۹. وفاداری اجتماعی

وفاء از ریشه وَفَى به معنای اکمال و اتمام چیزی است و کلمه وفاء در حوزه عهد و میثاق معنا می‌یابد و به معنای عمل کردن تام و کامل به پیمان است.

در زندگی اجتماعی قراردادهای یکی از اصول اساسی است. از یک سوزندگی اجتماعی اقتضا دارد هر کس عهده‌دار کاری شود، مسئولیت آن را بپذیرد و به امری مشخص بپردازد تا در سایه این توزیع کار، امورات زندگی اجتماعی سامان یابد و کار بر زمین مانده وجود نداشته باشد. این مهم، نیازمند عقد قراردادهایی بین افراد است. امور زندگی اجتماعی وقتی سامان می‌یابد که به این قراردادها عمل شود؛ در اینجا موضوع وفاداری اهمیت پیدا می‌کند.

بدون وفای به عهد و پیمان، نظام اجتماعی مختل می‌شود؛ به همین جهت خداوند متعال به صراحت دستور داده است که به پیمان‌ها وفادار باشید^۱ و وفاداران را ستوده است.^۲ به طوری که فقها از ظاهر آیه شریفه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» حکم به لزوم وفای به قراردادها می‌کنند و ظاهر این امر عام است و همه اموری را که عرفاً عنوان قرارداد بر آن

۱. مانده: ۱؛ اسراء: ۳۴

۲. بقره: ۱۷۷

صدق کند را شامل می‌شود.

قرآن کریم در آیات بسیاری دربارهٔ وفای به عهد همه جانبه و در همهٔ معانی آن و همهٔ مصادیقش تأکید دارد و بسیار سختگیری کرده است و پیمان شکنان را به شدت نکوهش نموده و تهدیدهای سختی کرده است و کسانی را که به عهد و پیمان‌های خود وفادار و پایبندند را ستوده است.^۱

۲،۲۰. سرور اجتماعی

مراد از سرور اجتماعی در این تحقیق، وجود شادی و سرور بین دو سوی رابطه است به گونه‌ای که روابط و تعاملات افراد در فضایی همراه با هیجان مثبت شکل بگیرند. از مؤلفه‌های سلامت اجتماعی، وجود فضای شاد و فرح بخش بین افراد است که عوامل مختلفی دارد. شوخی یکی از عوامل شادی و سرور است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: هیچ مؤمنی نیست جز اینکه در او «دُعابة» است. گفتم: دعابة چیست؟ فرمود: یعنی شوخی.^۲

گاهی شخص بادیه‌نشینی خدمت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌رسید و هدیه‌ای برای ایشان می‌آورد؛ هنگام تقدیم آن به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض می‌کرد: پول این هدیه ما را بدهید! پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خندید. بعضی اوقات که ایشان اندوهگین می‌شد، می‌فرمود: آن اعرابی کجاست؟ ای کاش دوباره می‌آمد.^۳

خنداندن دیگران یکی دیگر از اموری است که موجب سرور و شادابی جامعه می‌شود. برخی افراد لذت‌های دنیوی را با ایمان و دینداری در تضاد می‌دانستند و تنها عبادت کردن را می‌پسندیدند؛ لذا از خندیدن پرهیز می‌کردند و تنها گریه کردن را مشروع می‌دانستند. این در حالی است که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برابر این جریان ایستاد و خندیدن را به عنوان یکی از سنت‌های خود بیان کرد.^۴ وقتی پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با دیگران

۱. طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۵، صص ۱۵۸ تا ۱۶۱.

۲. کلینی ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۶۶۳، ح ۲.

۳. همان.

۴. همان، ص ۸۵، ح ۱.

بود با خنده آنان می خندید^۱ و هیچ کس پُرتبسم تراز پیامبر خدا ﷺ دیده نشده است.^۲

بوی خوش یکی دیگر از عوامل مؤثر در شادی است.^۳ استفاده از عطر و بد بونبودن بدن، از اموری است که در آموزه‌های دینی مورد توجه جدی قرار گرفته است و تا جایی اهمیت دارد که جزو اخلاق و سنت پیامبران در نظر گرفته شده است^۴ و به اهل ایمان سفارش شده که از عطر استفاده کنند.^۵

مسأله دیگر «آراستگی» است. بُعد دیگری از انسان «دیدن» است که لذت خاص خود را دارد و می‌تواند بر سرور و شادابی اثر بگذارد. اینجا صحبت از زیبایی به میان می‌آید که بخش‌هایی دارد؛ امور زیبایی که چشم‌نوازند موجب لذت بینایی شده و از این طریق به شادی انسان کمک می‌کند. آراستگی و خوش‌رویی در حقیقت به معنای تولید سیما و تصویر زیبا برای بیننده است. ما دوست داریم که دیگران ظاهری آراسته و اخلاقی زیبا داشته باشند و مطابق اصل نخست، باید خود نیز این‌گونه باشیم. خدا نیز دوست دارد که بنده هنگام ورود به مسجد^۶ آراسته و تمیز و نظیف باشد.^۷ همه این‌ها نشان می‌دهد که وجود فضایی شاد و بانشاط در روابط اجتماعی یکی از نشانه‌های سلامت اجتماعی است. داشتن آراستگی و خوش‌رویی چشم‌نواز و استفاده از عطر خوش و شوخی و مزاح سرور آور باعث ایجاد فضایی شاد و مفرح در روابط اجتماعی می‌گردد.

۱. صدوق ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲. ابن حنبل، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۰؛ ترمذی ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۶۰۱، ح ۳۶۴۱؛ متقی هندی ۱۴۰۹، ح ۱۸۳۹۹.

۳. علی بن موسی ۱۴۰۶، ص ۲۳۹، ح ۱۴۴؛ مجلسی ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۱۴۱، ح ۴.

۴. صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۳۱.

۵. کلینی ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۱۸.

۶. اعراف: ۳۱.

۷. ری شهری ۱۳۸۸، ح ۲۸۶۵.

۳. نتیجه گیری

مطالعات اسلامی در اموری مانند سلامت اجتماعی یک ضرورت اجتناب ناپذیر است؛ زیرا از سویی جامعه ما یک جامعه اسلامی است و هر برنامه‌ای که برای آن مطرح می‌شود باید با فرهنگ و آئین مردم هماهنگ باشد و از سوی دیگر، مطابق با آیات و روایات و از منابع اطمینان بخشی اخذ شده باشد تا بتواند یک برنامه منسجم و کارگشا برای زندگی آنان محسوب شود. از این رونادیده گرفتن آیات و روایات در تنظیم این برنامه به سود جامعه نیست.

موضوع این پژوهش مؤلفه‌های سلامت اجتماعی در محدوده روابط بین فردی است. پژوهش با روش کیفی (تحلیلی توصیفی کلاسیک در مطالعات اسلامی) انجام شد. پس از کشف عناوین و کلیدواژه‌های سلامت اجتماعی (برای ورود به منابع اسلامی) مؤلفه‌های بیست‌گانه سلامت اجتماعی در تحلیل سطح یک استخراج و سپس تبیین شد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در برنامه‌ریزی برای سلامت اجتماعی مؤثر واقع شود. برای اصلاح وضع موجود، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای سلامت اجتماعی ابتدا باید دیدگاه نظری اسلام را در این خصوص استخراج کرد سپس به تحلیل و بررسی پرداخت؛ از این جهت این تلاش علمی می‌تواند مقدمه رفع آسیب‌های اجتماعی و کشف راه کارهای ارتقای سلامت اجتماعی باشد. إن شاء الله.



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳)، تحف العقول، تصحیح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.
۳. ابونعیم احمد بن عبدالله اصبهانی، (۱۴۲۱ق)، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، تحقیق: خلیل اسکندرانی سعید بن سعد الدین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. آمدی تمیمی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح: رجائی، سید مهدی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۵. بخاری، (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.
۶. بیهقی، احمد بن حسین، (بی تا)، السنن الکبری، بیروت: دارالفکر.
۷. پسندیده عباس ج، (۱۳۹۸)، روش فهم روانشناختی متون دینی، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۸. پسندیده عباس، (۱۳۹۱)، چیستی «حسن خلق» و چگونگی تأثیر آن بر روابط اجتماعی، علوم حدیث، ش ۶۶، ص ۴۹ و ۷۰.
۹. پسندیده عباس، (۱۳۹۶)، روش فهم روانشناختی متون دینی (فرمد): بررسی تک متن، پژوهشنامه روانشناسی اسلامی، ش ۶، ص ۶۷-۹۱.
۱۰. پسندیده عباس، (۱۳۹۹)، روش فهم متون دینی با رویکرد روانشناختی، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۱۱. پسندیده، عباس الف، (۱۳۹۸)، فقه الحدیث ۲، قم: دارالحدیث.
۱۲. پسندیده، عباس ب، (۱۳۹۸)، فقه الحدیث ۳، قم: دارالحدیث.
۱۳. حافظ نیا محمدرضا، (۱۳۷۷)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.
۱۴. ری شهری محمد محمدی و همکاران، ۱۳۹۱، دانش نامه قرآن و حدیث، دارالحدیث، قم.



۱۵. ری شهری محمد محمدی، تقدیری محمد ۱۳۸۷، دوستی در قرآن و حدیث، ترجمه: اسلامی حسن، قم: دارالحدیث.
۱۶. شریعتی منصوره، رحیم پور ازغدی طاهره، (۱۳۹۹)، «بررسی نظریه ابعاد سلامت اجتماعی کییزبا رویکرد قرآنی»، مجموعه مقالات نخستین همایش بین المللی قرآن و سلامت اجتماعی، صص ۱۳۹-۱۵۴.
۱۷. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، صفات الشیعة، تهران: انتشارات اعلمی.
۱۸. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: لاجوردی، مهدی، تهران: نشر جهان.
۱۹. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، معانی الأخبار، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.
۲۰. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی، محمد باقر، قم: جامعه مدرسین.
۲۲. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ ق) الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ ق)، الأمالی، تصحیح: مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافة.
۲۴. عبدی حمزه، پسندیه عباس، (۱۳۹۴)، تحلیل و بررسی روایات مکارم الاخلاق، قم: دارالحدیث.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران، الإسلامیة.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق)، الکافی، قم، دارالحدیث.
۲۷. متقی هندی، (۱۴۰۹ ق)، کنز العمال، تحقیق: ضبط و تفسیر: الشیخ بکری حیانی، تصحیح و فهرسة: الشیخ صفوة السقا، الرسالة، بیروت.
۲۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار لدرر أخبار الائمة

الاطهار عليه السلام، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

۲۹. مسعودی، عبدالهادی، (۱۳۹۳)، روابط اجتماعی از نگاه قرآن، قم، دار الحدیث.

۳۰. مفید الف، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الامالی، تحقیق و تصحیح: استاد ولی، حسین و غفاری علی اکبر، قم: کنگره شیخ مفید.

۳۱. نصرتی نژاد فرهاد، (۱۳۹۸)، چیستی سلامت اجتماعی، فرهنگستان علوم پزشکی، چاپ نشده.

۳۲. نیک ورز طیبه، یزدان پناه لیلا، (۱۳۹۴)، «رابطه عوامل اجتماعی با سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان»، جامعه شناسی کاربردی، ش ۳، صص ۹۹-۱۱۶.

۳۳. ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ق)، مجموعة ورام، قم: مكتبة فقهية.